

# بگذارید تاریخ سخن بگوید!

شرکت کنندگان در کارزار توده‌های ستیزی و شوروی ستیزی در ایران، که یک تاز میدانند و امکان هرگونه پاسخگویی و روبرویی مستقیم را از ما سلب کرده‌اند، هر آنچه دل تنگشان می‌خواهد، می‌گویند تا واقعیت را در پرده بگذارند.

می‌گویند "ما برای اسلام انقلاب کردیم"، آنهم بدون در نظر گرفتن سرحدات ملی. مدعی‌اند، انقلاب "معجزه" بود. ادعا میکنند، گویا مردم ایران در روزهای خونین اوج نهضت رهاییبخش، هدفی جز احیاء "احکام و سنن شرعی" نداشتند. برآند، که نیروهای چپ در این مملکت، "در محیط اسلامی و مکتبی" نمی‌توانند رشد کنند، زیرا به عقیده آنان این نیروها چیزی برای عرضه ندارند. کسانی را که بر وفق اراده آنان گام برندارند و همانند آنان نیندیشند و قضاوت نکنند، کافر، ملحد، منافق، اخلاک‌گر، جاسوس و عامل بیگانه می‌نامند.

واضح است، در چنین جوی سیاست تحمیل، جایگزین شیوه تحمل عقاید و افکار دگراندیشان می‌شود. و اما سیاست تحمیل ناچار نیاز به دستگاه سرکوبگر دارد. دستگاه سرکوبگر نیز دارای ابزار و شیوه‌های ویژه خود است: ترور، اختناق، شکنجه و اعدام. در چنین محیطی "ژ-۳" جایگزین منطق، تحلیل، تفسیر، نقد و انتقاد و بحث آزاد میگردد. امکان هرگونه مراجعه به توده‌ها از نیروهای ملی و مترقی سلب می‌شود. در باره چنین محیطی، سعدی نوشت، ایمن چه حرامزاده مردماند که سگها را گشاده و سنگها را بسته‌اند.

بقیه در صفحه ۵



دوره هشتم - سال اول - شماره ۵  
پنجشنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۳  
بها ۲۰ ریال

## جنگ، جنگ تاسیه روزی

سریع" مجهز به سلاحهای هسته‌ای در بندر "گوآدر" ی پاکستان مستقر خواهند شد. آمریکا همچنین برای استقرار موشکهای بالدار در پایگاه‌های خود در خاک عمان و ترکیه تلاش می‌کند، و بدینسان کمربندی از موشکهای هسته‌ای در اطراف ایران و دیگر کشورهای منطقه بسته می‌شود، که نتیجه حداقل آن مجبور ساختن دول منطقه به تبعیت از امیال امپریالیسم جهانخوار آمریکاست. کلیه این اقدامات را باید در چارچوب تشدید و خاتم اوضاع بین‌المللی، که مسئولیت آن مستقیماً متوجه سیاست جنگ افروزانه و تجاوزکارانه دولت رونالد ریگان است، ارزیابی بقیه در صفحه ۷

با شروع حملات موشکی به نفتکش‌ها در خلیج فارس، جنگ ایران و عراق وارد مرحله بسیار خطرناکی شده و احتمال گسترش بیشتر آن میرود. گسترش جنگ نیز در عمل یعنی دست-یافتن امپریالیسم آمریکا به اهداف خود در منطقه خلیج فارس. هم اکنون نیروهای "اقدام سریع" آمریکا در منطقه خاور میانه، که رسماً از جانب واشنگتن "منطقه منافع حیاتی" آمریکا اعلام شده حضور دارند. علاوه بر این چندی پیش اعلام شد، که "پنتاگون" طرح دخالت در امور منطقه را با عنوان "تریپ وایر" تنظیم کرده که در آن استفاده از سلاحهای هسته‌ای نیز در نظر گرفته شده است. طبق طرح "پنتاگون"، نیروهای "اقدام

## کارمیان جوانان يك وظیفه حزبی است

نسل جوان، از کارگر و کشاورز تا روشنفکر مترقی، نقش تعیین کننده‌ای در به ثمر رساندن انقلاب ملی و دموکراتیک و ضد امپریالیستی بهمین داشت. جوانان ایران برای دستیابی به استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح که خواست عمده آنان در پیکار خونین علیه رژیم خودکامه پهلوی بود، در صف واحدی به پساخاستند و با از جان گذشتگی و پیگیری بی نظیری توانستند و شادش مادران و پدران خود، رژیم تا دندان مسلح را با شکست قطعی روبرو سازند.

"توپ و تانک و مسلسل، دیگر اثر ندارد!" شعار جوانانی بود، که مرگ را بر زندگی تحت سلطه نظام استبدادی وابسته به امپریالیسم ترجیح می‌دادند. آنها مبارزه کردند تا به نظام ستشاهی، به سیطره امپریالیسم، به جور و ظلم، به سلطه ارگانهای سرکوبگر و فئودالیسم در میهن خود برای همیشه پایان دهند. شعار کار، نان، مسکن، تحصیل و بهداشت برای همه! شعار همه جوانان بود که رژیم ستشاهی هرگونه روزنه امید را برویشان بسته بود.

ولی نتیجه این همه فداکاری و از جان گذشتگی و قربانی چه شد؟ هنوز چند صباحی از پیروزی انقلاب نگذشته، حکام مرتجع ۱۰۰ پا در جای پای رژیم ستشاهی گذاردند. دانش-گاهها را بستند و دهها هزار جوان آواره و سرگردان شدند. دبستانها و دبیرستانها را به مراکز تخدیر آگاهی و وجدان میدل ساختند. هزاران کارگر جوان از کارگاهها رانده شدند. روستازادگان برای گریز از فقر بسوی شهرها روان شدند. امکان هرگونه استراحت و تفریح سالم و ورزش از جوانان سلب شد. آنها را بجای کلاسهای درس به جبهه‌های جنگ ایران و عراق و برادرکنی در کردستان روان کردند. ترجیح بقیه در صفحه ۲

## کارگران و کشاورزان قربانیان واقعی سیاست ادامه جنگ

سرپرست و آواره می‌شوند، فرمانده سپاه پاسداران منطقه ۱۰ می‌گوید "تاکنون ۴۵ کارخانه بسیج شده و حدود ۲۰ هزار نفر از کارگران به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند"، (کیهان - ۳۰ شهریور ۶۲). اما اعزام اجباری به جبهه‌ها فقط منحصر به کارگران نمی‌شود. بلکه شامل فرزندان آنها و زحمتکشان روستائی هم می‌شود. امام جمعه طالقان می‌گوید: تنها "از یک بخش کوچک طالقان ۵۰ شهید به معراج می‌روند" (جمهوری اسلامی - ۱۹ آبان ۶۲). فرمانده سپاه پاسداران منطقه ۲ در مصاحبه با اطلاعات می‌گوید "به منظور وارد آوردن ضربه نهائی بر پیکر روه زوال عدام حضور جوانان دانش آموز و کشاورز در جبهه‌ها ضرور است" (اطلاعات - ۳ شهریور ۶۲). همین شخص می‌گوید "چون با فصل بر داشت محصول مواجه هستیم، این موضوع جوانان را در جبهه تحت الشعاع قرار خواهد داد". با این حال مأموران جمهوری اسلامی جوانان کشاورز را به هنگام برداشت محصول از زمین جدا می‌کنند و حداقل حاصل یک سال زحمت یک بقیه در صفحه ۲

صغیر گلوله، انفجار خمپاره، آژیر آمبولانس شیون از همه سو، لباس سیاه و برگراری مراسم سوگواری ۱۰۰۰ این است ره آورد جنگ برای زحمتکشان کشور ما.

محسن رضائی می‌گوید "ادامه ندادن به جنگ برای کشور، یک فاجعه است" (اطلاعات ۲ مهر ۶۲). و بدینسان است که رهبران جمهوری اسلامی با کوبیدن دیوانه وار طبل جنگ، انسان هائی را سرشته از رنج و فقر و کار، به اجبار به جبهه مرگ می‌کشانند. حضور اجباری و مستمر کارگران و فرزندان آنان در جبهه‌های جنگ "سرحدی زاده - اطلاعات ۸ اردیبهشت ۶۳) نتیجه‌ای جز ویرانی و فلاکت و نابودی نداشته و چشم و انزجار زحمتکشان را برانگیخته است. وزیر کار می‌گوید "روزی نیست که خبر شهادت عدای از دلاوران کارگر از جبهه در یافت نشود" (کیهان - ۱۰ اردیبهشت ۶۳). اعزام کارگران به جبهه‌ها دیگر نه بنا به میل و اراده آنان، بلکه بر پایه اجبار، و حشمت از دست دادن کار و تهدید به اخراج و دستگیری است. هر روز بسیاری از خانواده‌های کارگری بی

# پایدار باد همبستگی جهانی با زندانیان توده‌ای!

## کارگران و کشاورزان قربانیان واقعی سیاست ادامه جنگ

بقیه از صفحه ۱

جانواده روستائی را به باد می دهند . رژیم جمهوری اسلامی علیرغم مخالفتسهای فرازنده کارگران و زحمتکشان ، می گوید "تنبور جنگ" را با گوشت و پوست و استخوان انسان و فرزند انسان "گرم نگه دارد" و با کسر حقوق نا- چیز آنان بخیر مهمی از هزینه های سنگین جنگ را تأمین کند . مسئول کارخانه سیمان و فارسیت درود می گوید : "کک های مالی کارخانه و برآ- دران کارگران که از حقوقشان به جیبه هیا کرده اند از مرز ۱۰ میلیارد ریال می گذرد" کیها ۲ مرداد ۶۲ . روزنامه جمهوری اسلامی ۹ تیر ۶۲ می نویسد "هر ماه معادل ۵ میلیون ریال توسط کارگران ذوب آهن به جیبه های نبرد کک می شود" . مدیر عامل چیت سازی بهشسر می گوید : "از شروع جنگ تعمیلی بطور مستمر يك روز از حقوق کارگران به این امر انسانی اختصاص یافته است و ماهی يك میلیون و پانصد هزار ریال از این کارخانه به جیبه ها کک می شود" (کیها ۲۰ آذر ۶۲) . اطلاعات (۱۹ اردیبهشت ۶۲) می نویسد : "هر دو ماه یکبار هنگام اخذ تفاوت بهای بنزین هر يك از رانندگان مبلغ دو هزار ریال به حساب ۴۴۴ رئیس جمهور و امام جمعه تهران واریز خواهند کرد" . وقاحت رژیم سنا

بدان حد است که نه تنها روز کارگر را تعطیل نمی کند ؟ سود حاصل از فعالیت در این روز را نیز به جنگ اختصاص می دهد . این اخذی شامل فرزند ان کارگران و زحمتکشان نیز می شود . راد بو ایران در سیزدهم اسفند ۶۲ می گوید : "دانش آموزان مدرسه راهنمایی تحصیلی مدرس از منطقه ۱۲ تهران ( یعنی منطقه شوش و خراسان ) چکی به مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ ریال برای کک به جیبه های جنگ تقدیم مجلس شورای اسلامی کردند" . رژیم دانش آموزان را وامی- دارد تا قبض ۱۰۰،۰۰۰، ۲۰۰ و ۵۰۰ ریالی را در بین خانواده ها ، و اقوام و آشنایان خود بفروشد برسانند و بدینسان فشار جنگ راد جیبه کارخانه و مدرسه ۰۰۰ بر گوشت و پوست خود حس کنند .

کارگران با چشمان خود می بینند که در سایه ادامه جنگ ، مشکلات آنها هر روز افزون تر می شود . و به بهانه جنگ ، رژیم از اجرای خواسته های کارگران خودداری می کند . در حالیکه به گفته قائم مقام وزارت کار " کارگران ما با سه مشکل اساسی روبرو هستند : دستمزد ، درمان ، مسکن (اطلاعات - ۱۴ دی ۶۲) ارتجاع حاکم بجای افزایش حقوق و کاهش میزان تورم به صراحت اعلام

می دارد که " ما قصد داریم که دستمزد هارا افزایش ندهیم" ( گنجهای - کیهان ۶ آذر ۶۲) . در مقابل ، بودجه کشور صرف مخارج و هزینه های جنگی می شود . هاشمی رفسنجانی می گوید " - بودجه ملکت را خرج جنگ می کنیم که اگر نصف این - را خرج جنگ نکنیم تورم پائین می آید" . مشکل مسکن نه تنها حل نشده است بلکه بواسطه ادامه جنگ و بیماریان مناطق مسکونی و وجود آوارگان جنگی که به شهرها روی آورده اند حل مسأله مسکن بصورت امری غیر ممکن در حکومت جمهوری اسلامی در آمده است .

افزایش تورم و بالا رفتن قیمت اجناس و ثابت ماندن سطح دستمزد کارگران منجر به اعتصابات کارگری در بسیاری از کارخانه ها شده است . خودداری کارگران از رفتن به جیبه ها هر روز ابعاد گسترده تری می یابد . کارگران بد رستی دریافته اند که حاکمان جمهوری اسلامی از تمامی مواضع پیشین خویش عقب نشسته اند و به انقلاب و منافع زحمتکشان خیانت کرده اند . آنان دریافته اند که جنگ می توانست در مقطع آزاد شدن شهرهای کشورمان به صلحی شرافتمندانه و به نفع خلقهای هرد و کشور ایران و عراق پایان یابد - امری که حزب توده ایران در همان زمان بصراحت به آن اشاره کرد و بر لزوم قطع فوری جنگ و برقراری صلح پای فشرد و لاجرم مورد سرکوب حاکمیت قرار گرفت . اکنون نیز هه دریافته اند که جنسون بقیه در صفحه ۶

## کار میان جوانان ...

بقیه از صفحه ۱

مرگ بر زندگی به سطح سیاست مستمر دولتی ارتقا یافت .

سیاست عمیقاً ضد انسانی استفاده از "امواج انسانی" در جنگ ، که سران ج ۱۰ در پیش گرفته اند ، تاکنون دهها هزار کارگر روستائی و روشنفکر جوان را به کام مرگ کشانده و صد ها هزار جوان معلول تحویل جامعه داده است . همین چندی پیش بود ، که خامنه ای رئیس جمهوری گفت :

"علیرغم مجهز بودن دشمن به انواع سلاحهای پیچیده و گوناگون ، لکن در حقیقت طرفی که به معنای واقعی کلمه تدبیر و مطالعه می کند و بسا سنجیدن جوانب قضیه حد اکثر استفاده از نیروهای انسان می برد ، جمهوری اسلامی است ؟ رئیس جمهوری اعلام می دارد ، که در آینده نیز به کشتار جوانان و نیاوان صیمن ادامه خواهند داد . استفاده از سیاست "امواج انسانی" به معنای اعزام جوانان به قربانگاه جنگ و بسه استقبال مرگ حتی ، نسل جوان ایران و مسالا " آینده کشور را با خطر جدی مواجه ساخته است .

ککش بسوی عقاید و نظرات مترقی و از نظر تاریخی رشد یابنده در زمینه تحول اجتماعی و پیشرفت و گریز از نظرات و عقاید ارتجاعی ، جزمی و واپسگرا ، یکی از ویژگیهای جوانان زحمتکش در کشور ما است ، و سران رژیم که نظاهر آشکار

آنها در جریان اوج نهضت انقلابی به میان مشاهده کرده اند با تمام نیرو میکوشند نطفه عقاید انقلابی را در ذهن جوانان خفه کنند . تصادفی نیست ، که اکثریت قاطع بیش از صد هزار زندانی سیاسی را جوانان تشکیل میدهند و سنا کنون رژیم هزاران نفر از آنها را به جوخه های اعدام سپرده است .

حکام ارتجاعی لبه تیز تبلیغات گسترده خود را متوجه اشاعه ضد کمونیسم در جامعه کرده اند . هدف سران ج ۱۰ ایجاد تفرقه بین نیروهای ملی و دمکراتیک و مقابله با نفوذ روزافزون جهان بینی حزب ما در میان جوانان و کوشش در راه تربیت نسل جوان با روحیه بردگی و تبعیت کورکورانه از امیال ارتجاع حاکم است . رژیم با بورش به ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم ، زمینه را برای اشاعه نظرات ضد انقلابی و ارتجاعی آماده میسازد . ولی علیرغم این کوشش ، نسل جوان به مبارزه خود در راه تحول بنیادی جامعه ادامه می دهد .

در این شرایط سخت وظیفه بس مهمی در برابر کادرهای حزبی در گسترش کار شمرخش میان جوانان قرار میگیرد . در گزینش اشکال و شیوه های کار میان جوانان ، باید تناسب نیروها در جامعه ، ساخت طبقاتی جامعه ، درجه فعالیت اجتماعی جوانان ، اشکال تاثیر هیئت حاکمه در آنان و دیگر شرایط را در نظر گرفت .

حزب ما اهمیت فوق العاده ای به کار میان کارگران و کشاورزان جوان میدهد . کوشش ما باید متوجه بالا بردن سطح آگاهی و تشدید

فعالیت سیاسی آنها گردد . ما به شرکت وسیع جوانان روشنفکر در مبارزه انقلابی ارزش بسیار قائلیم . نباید از نظر دور داشت که روشنفکران مترقی نقش بسزائی در نهضت رهائی بخش صیمن ما داشته اند و ضرورت عینی ، آنها را بسوی اتحاد با طبقه کارگر سوق می دهد . در کار بین جوانان باید به تبلیغ جهان بینی حزب اهمیت ویژه ای داد .

کار در میان توده ها و از آنجمله جوانان یکی از وظایف عمده حزب طبقه کارگر است و در این مورد تنها کار تبلیغی و ترویجی کافی نیست . لنین می گوید ، هرگز میلیونها انسان به اندر زهای يك حزب گوش فرا نمی دهند ، مگر آنکه صلحت اندیش- ها با آنچه که تجربه زندگی محود آنها می آموزد انطباق داشته باشد .

بنابراین ، ما باید روی آن تدابیر و اسلوبها- ئی تکیه کنیم که بر پایه تجربه جوانان بتواند آنها را برای هدفهای نهائی آماده سازد . در اثر تحول اوضاع ایران و در نتیجه تغییر تناسب نیرو- ها به نفع احزاب و سازمانهای مدافعان توده- های محروم ، نمی توان تردیدی داشت ، که شرایط عینی بیرونی بر ارتجاع نضج می یابد . وظیفه ما است که از این شرایط برای بسیج جوانان زحمتکش ملی مبارزات سیاسی ، اقتصادی و ایدئولوژیک استفاده کنیم . در این پیکار باید از کلیسه امکانات اجتماعی هر قدر هم که محدود باشد و کلیه تضاد ها برای پیشبرد آماجهای خلق و از آنجمله برای تضعیف و منفرد کردن حکام ارتجاعی و عوامل امپریالیسم بهره گرفت .

## اقتصاد ملی در مسیر ورشکستگی

در قطعنامه پلنوم هیجدهم گفته می‌شود: "چرخش هیئت حاکمه به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیا، نظام منحط سرمایه‌داری وابسته، تقویت بنیه مالی به‌جور واز عد تجاری، احیا، مواضع اقتصادی و مالی سیاسی امپریالیسم و همسانی و همسوئی هر چه بیشتر با دولت امپریالیستی تظاهر میکند، جامعه را با بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی روبرو ساخته است."

بحران اقتصادی در کشور بد رجسسه‌های از و خامت رسیده است، که اینک حتی سران رژیم و مسئولین امور دولتی قادر به کتمان آن نیستند. این اعترافات صحت‌آزایی ما را، که نتیجه تحلیل همه جانبه وضع اجتماعی - اقتصادی، مواضع طبقات، قشرها و دولت در جامعه و برخورد هائی ناشی از تضاد منافع گوناگون در هیئت حاکمه و نیز شرایط بین‌المللی است، به ثبوت میرساند.

چندی پیش وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه در گفتگویی با "کیهان" (اول فروردین ماه ۶۳) گوشه‌ای از حقایق فلاکت‌بار اقتصاد را بازگو کرد. او گفت، برآورد سال ۱۳۶۲ نشان می‌دهد، بخش‌خدا مات ۲۸۰ میلیارد تومان ارزش افزوده داشتند، حال اینکه در بخش صنعت و کشاورزی نصف و یا ثلث آن ارزش نیست. کسانی که اندکی با اقتصاد آشنایی دارند، بخوبی میدانند که چنین عدم تناسب بین رشته‌های مختلف اقتصاد ملی نه تنها بیانگر واپس‌ماندگی عمیق اقتصادی، بلکه در عین حال مؤید وجود بحران ژرف اقتصادی در جامعه است. خود رئیس سازمان برنامه نیز مجبور به اعتراف است. او می‌گوید: "صنعت ما یک صنعت وابسته است و چنانچه مواد اولیه آن وارد نشود صنایع ما خواهد خوابید" و در بخش کشاورزی نیز، "در حال حاضر عملاً مشاهده می‌شود که کشور برای گندم، طوفه، گوشت و غیره وابسته به خارج است."

پیکره‌هایی که رئیس سازمان برنامه و بودجه ارائه داد ژرفای ورشکستگی اقتصادی رژیم را بیش از پیش آشکار میکند. پنج سال پس از پیروزی انقلاب و وعده‌های پیرامون دستیابی به خودکفائی و تأمین استقلال اقتصادی و نیز پنج سال پس از سخنرانی‌های پرآب و تاب سران ج ۱۰ دایره رشد بیسابقه اقتصادی اینک از زبان یکی از مسئولین دست‌اندرکار رژیم می‌شنویم، که می‌گوید از ظرفیت اکثر واحد‌های صنعتی استفاده کامل نمیشود و هنوز تولید ناخالص و ارزش افزوده در خیلی از بخش‌ها نسبت به سال ۵۵ و ۵۶ پائین‌تر است. در حالیکه مصرف کشور در سال ۶۰ و ۶۱ هر ساله ۶ درصد افزایش داشته، سرمایه‌گذاری نسبت به تولید ناخالص داخلی در سال ۶۰ حدود ۲۰ درصد بوده، که در سال ۶۱ ۱۹/۷ درصد

کاهش یافته است. او می‌گوید: "این کاهش سرمایه‌گذاری یک خطر است، که باید جلوی آنرا بگیریم. ما باید برای سرمایه‌گذاری راه‌های باز کنیم..."

نتیجه بافت ناسالم اقتصاد ملی، بگفته وزیر مشاور اینستکه وابستگی به درآمد نفت تشدید شود، تورم سیر صعودی پیموده و بدهی دولت به بانک مرکزی روز بروز افزایش یابد.

چنین است بیلان پنج ساله عملکرد رژیم. برای بیرون رفتن از این وضع فلاکت‌بار چه باید کرد و آیا سران ج ۱۰ برنامه‌های ارائه میدهند؟ وزیر مشاور می‌گوید: "ما تعهد داریم سرمایه‌گذاری‌های موجود در مملکت را به حد اکثر بهره‌برداری برسانیم ولو اینکه مجبور شویم تا چند سال مواد اولیه آنرا وارد کنیم."

منظور او از سرمایه‌گذاری‌های موجود اجرای طرح‌های سرمایه‌بر و گرانقیمت تجلی است که رژیم گذشته بدستور انحصارهای چند - ملیتی پایه‌گذاری کرده بود و امروز طبق اعتراف وزیر مشاور هیچ ۱۰ تعهد گردیده اجرای آنها را با وجود تشدید وابستگی اقتصاد ملی به انحصارهای امپریالیستی ادامه دهد.

باید خاطر نشان ساخت، که وابستگی صنایع ایران (هم موجود و هم در حال احداث) فقط به مواد خام نیست. این صنایع از لحاظ یدکیها و قطعات و بطور کلی تکنیک و تکنولوژی هم کلا وابسته به جهان سرمایه‌داری است و اگر روزی بناد ایران بروی کشتی‌های خارجی حاصل این مواد بسته شود و یا بعلت ادامه جنگ صدور نفت غیر ممکن گردد، اقتصاد ملی در ورشکستگی خواهد شد.

برنامه‌ای که سران ج ۱۰ هم اکنون در زمینه صنعتی در پیش دارند در مجموع خود اقتصاد ایران را هر چه بیشتر به زانده بازار جهان سرمایه‌داری مبدل میکند. ۱۶ خرداد ماه سال جاری روزنامه "اطلاعات" متن گفتگویی قائم مقام وزارت صنایع سنگین را انتشار داد. وی که قاعدتاً می‌بایست برنامه دولت را در زمینه ایجاد صنایع سنگین در بخش دولتی بمثابة ضامن تأمین استقلال اقتصادی تشریح کند، تکیه اساسی را در این بخش روی عملکرد بخش خصوصی گذارد و گفت: "هیچ قانونی حجم سرمایه‌گذاری در تولید را" برای بخش غیر دولتی محدود نکرده است، آنچه تاکنون مورد بحث بوده ماهیت سرمایه است نه میزان آن. طبیعی است، کسی که از راه حلال سرمایه‌ای را کسب کرده باشد هیچکس معترض او نخواهد بود. بنابراین در این زمینه هیچگونه نگرانی وجود ندارد و اگر احیاناً کسی امکان سرمایه‌گذاری در بخش تولید صنعتی را دارد باید به میدان بیاید و اطمینان داشته باشد که مزاحمتی برایش ایجاد نمیشود."

او بنام دولت از بخش خصوصی دعوت میکند تا در رشته‌هایی مانند خودروسازی، موشور

محرک سازی، ماشین سازی و غیره سرمایه‌گذاری کنند. به دیگر سخن، آنچه حتی قانون اساسی ج ۱۰ بعهده دولت گذارده است دودستی تقدیم بخش خصوصی میشود.

قائم مقام وزارت صنایع سنگین بی‌پرده سخن می‌گوید: "در برنامه پنجساله عمرانی کشور پیش‌بینی ۴۶۱/۵ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری برای بخش دولتی و غیردولتی شده، که به تفکیک برای بخش دولتی ۱۷۱/۵ میلیارد ریال و برای بخش غیردولتی حدود ۲۹۰ میلیارد ریال است. بعد یمنان بیش از ۶۲ درصد سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین بعهده بخش غیردولتی گذارده شده است. چه کسانی جز کلان سرمایه‌داران وابسته می‌توانند چنین سرمایه‌گذاری را بعهده گیرند؟

راهی که سران ج ۱۰ عملاً در پیش گرفته‌اند چیزی جز تدوین نظام اقتصادی رژیم شاه نیست. بی‌سبب نیست که ارتجاع حاکم با تمام قوا سعی می‌کند تا سرمایه‌داران غارتگر فراری را هر چه زود تر به خود جلب کند و در این مسیر فرامین گوناگونی در رسانه‌های گروهی منتشر می‌سازد. این راه فقط می‌تواند به احیاء نظام سرمایه‌داری وابسته منجر گردد، که با دمکراتیزه کردن اقتصاد ملی به نفع توده‌های محروم بعنوان آماج اساسی انقلاب بهمن ۵۷ در تضاد آشکار است.

ولی هستند عوامل غربیانی مانند شجاع‌الدین کرمانی، که با پر روشی بیسابقه‌ای مینویسند: "وجه شبه" تشبیه اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه‌داری لفظی و صوری است. زیرا مالکیت شخصی طرح شده در سیستم اقتصادی اسلام، با مالکیت شخصی طرح شده در سیستم کاپیتالیسم، تنها اشتراک لفظی دارند و از نظر محتوا و مضمون، نه تنها اشتراکی وجود ندارد که از زمین تا آسمان باهم فاصله داشته و در تضاد و تباینی بنیادی می‌باشند." (اطلاعات، ۳ خرداد ۶۳). شجاع‌الدین کرمانی چیزی می‌گوید، که بقول معروف در قوطی هیچ عطاری پیدا نمی‌شود. با در نظر گرفتن آنچه که ما به نقل از دست‌اندرکاران رژیم آوردیم، بی‌شک با توجه به واگذاری بیش از ۶۲ درصد از سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین به کلان سرمایه‌داران، مضمون و ماهیت آنچه آقایان "اقتصاد اسلامی" می‌نامند بیش از پیش آشکار می‌شود. نقطه ضعف آنچه مبلغین ج ۱۰ بنام "اقتصاد اسلامی" عرضه میکنند در همین جا است. این نظام کوچکترین فرقی با نظام سرمایه‌داری وابسته ندارد و پایان آن نیز جز ورشکستگی اقتصاد ملی نمی‌تواند باشد.

مردم ایران این نظام را یکبار آزموده‌اند. هدف عده مانع از فعالیت احزاب و سازمان‌های انقلابی، ناباشتن زندانها از دهها هزار انقلابی دگراندیش و ضد امپریالیست، تفتیش بی‌سابقه عقاید، از بین بردن ابتدائی‌ترین حقوق و آزادی‌های دمکراتیک و بالاخره احیاء رژیم ترور و اختناق نیز هموار ساختن راه برای احیاء نظام سرمایه‌داری است. ولی توده‌های میلیونی زحمتکشان را نمی‌توان به زور سرنیزه بقیه در صفحه ۸

## شترسواری که دولا دولا نمی شود

و ناوهای هواپیمابر در خلیج فارس متمرکز کرده و پایگاههای خود را بیش از پیش در کشورهای ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی، عمان و دیگر کشورهای تحت نفوذ خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش داده و علاوه بر بسیج ارتجاعی منطقه علیه جنبشهای رهائی بخش خلقها در خاور میانه، می رود تا سلاحهای شیمیایی و موشکهای بالدار پرشیند - سنگ آرا در پایگاههای خود در خاک ترکیه و پاکستان مستقر کند.

آقای ولایتی برای اینکه مسئله واگذاری سلاح از جانب آمریکا به کشورهای ترکیه و پاکستان و عربستان سعودی و ۱۰۰۰ را بی اساس واهی جلوه دهد می گوید: "این خوف در بین حاکمان آمریکا وجود دارد که با اوضاعی نظیر انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر تکرار شود. لذا بسا احتیاط و بسیار دست به عصا در واگذاری سلاحهای پیشرفته به کشورهای دیگر حرکت می کنند." یعنی اینکه آمریکا عوامل خود را در سطح منطقه آنچنان که باید تجهیز نمی کند و از این بابت

"مانو" رهبر جیس می گفت: آمریکا بیس کاغذی است. وی می گوید مردم را معاند کند که از جانب آمریکا خطری موجه "جهان سوم" نیست و خلقهای معرود "دشمن واقعی" و قدرتمند خود را بایستی در جای دیگری جستجو کنند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز در نوجیه وابستگی به انحصارات امپریالیستی - بورژوازه آمریکائی - بر همین منوال است و روز بروز غنی تر می شود.

رهبران جمهوری اسلامی که مستقیم و غیر مستقیم با پاد ریمانی دلالهای بزرگ بین المللی، با نمایندگان انحصارات امپریالیستی در ارتباطند و از این طریق، بخصوص نیازهای تسلیحاتی خود را تأمین می کنند، برای نوجیه این سیاست در برابر افکار عمومی به ترفند های گونه گون دست می زنند. یکی از این ترفند ها بی اهمیت نمودن وضعیت نشان دادن امپریالیسم جهانی و از این طریق ایجاد انحراف در افکار عمومی از مبارزه ضد امپریالیستی است. دکتر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در موضع گیریهای خود از جمله چنین هدفی را دنبال می کند و تسلاش دارد با زبان بی زبانی به مردم بفهماند که از جانب آمریکا خیالشان راحت باشد: "تهدیدات (آمریکا) چیزی جز یک کار تبلیغی و راه انداختن یک جنگ روانی برای ترساندن مردم جهان سوم نیست." (اطلاعات - ۲۶ خرداد ۶۲)

اخیرا روزنامه اطلاعات در این باره که "آیا برآستی شیطان بزرگ جرات و توان دخالت مستقیم در خلیج فارس را دارد و یا می خواهد از دور دستی بر آتش داشته باشد؟" با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، و در حقیقت سخنگوی رسمی سیاست خارجی رژیم گفتگو کرده است. خبرنگار "اطلاعات" در مقدمه ای بر این گفتگو از مجله هفتگی "اخبار آمریکا" گزارش های جهان نقل قول می کند که "سیمد هزار نفر نیروهای اقدام سریع مستقر در آمریکا برای پاسخ گویی به بحرانی که نفت خلیج فارس را به خطر می اندازد در نظر گرفته شده اند" و یادآوری می کند که "ریگان، در بودجه ۲۷۷ میلیارد دلاری پیشنهاد کرد در پنتاگون ۱۰۰ اولویت را به پاسخ گویی سریع به اینگونه بحرانها داده است." حال ببینیم نظر آقای ولایتی در این باره چیست؟ او می گوید: "در اینجا رقم خوشبینانه ای ذکر شده است سیمد هزار نفر نیروهای واکنش سریع برای کس مناطق جهان. در حالیکه آمریکائی ها زمانی ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر نیرو در ویتنام داشتند. اکنون آنها با این سیمد هزار نفر نیرو برای کس مناطق جهان چه کاری می خواهند بکنند؟"

آقای ولایتی "این حرفها و این تهدیدات آمریکا" را همانطور که گفته شد "یک کار تبلیغی" برای ترساندن مردم جهان سوم ارزیابی می کند و این در شرایطی است که آمریکا به بهانه دفاع از به اصطلاح "منافع حیاتی" با کمک هم پیمانان خود نیروهای زیادی با تجهیزات کامل نظامی

مردم نباید هیچ هراسی به دل راه دهد. حتی آقای ولایتی ضمن آنکه معتمد استار آمریکا کاری ساخته نیست تلویحا حق می دهد که "بالاخر" اینها (یعنی امپریالیستهای آمریکائی) بسرای حفظ منافعشان در اینجا باید کاری بکنند. به بیان روشن تر نتیجه این استدلال این است که ما حق نداریم به حضور نیروهای آمریکائی در خلیج فارس معترض باشیم، چون آمریکا در این منطقه "منافعی" دارد و بایستی از آن حراست کند. لابد "تدارک" لشکر پیاده سبک آمریکا بسرای استفاده در مناطق کوهستانی ایران جهت به اصطلاح جلوگیری از مهاجم شوروی (اطلاعات) ۳۰ مرداد ۶۲ را نیز بایستی بر بهاء ایمن استدلال "حق" آمریکا دانست.

وزیر امور خارجه سعی می کند، هم پیمانان آمریکا یعنی کشورهای امپریالیستی عضو ناتو را نیز، که سران ج ۱۰ سحت - کریم احیا، مواضع آنها در کشورند، در نزد افکار عمومی از زیر ضربه خارج سازد. وی از جمله می گوید: "دانشه اختیارات این حکومتها محدود است. اینها نمی توانند نیرویی به خارج از مرزهایشان اعزام کنند. بارها که شایعه دخالت نیروهای چند ملیتی، نیروهای بعضی از کشورهای غربی در منطقه، در حول و حوش خلیج فارس مطرح شده به فاصله کوتاهی د ولتمردان آن کشور مجبور شده اند این شایعه را تکذیب کنند." بنابراین وجود ناوگان فرانسه و انگلستان در خلیج فارس نیز یک شایعه است، در حالیکه نه تنها ایمن د ولتها اعزام ناوگان خود را به خلیج فارس تکذیب نکرده اند، بلکه مارگارت تاچر رسماً حمایت کشورش را از آمریکا در منطقه خلیج فارس اعلام داشت. روزنامه "اطلاعات" در پایان مصاحبه یک خبرنگار گرانه از یک نشریه علمی در آریزونای آمریکا را نقل می کند که "خلبانان آمریکائی هدایت هواپیمای "اف-۱۵" عربستان سعودی را بر عهده دارند و به هنگام شروع بحران در خلیج فارس ۳۴ خلبان دیگر آمریکائی از یک پایگاه هوایی در آریزونا راهی خاور میانه شده اند و حمله به هواپیماهای ایرانی توسط خلبانان آمریکائی هدایت شده است."

آقای ولایتی در این باره می گوید: "در مورد اینکه (آمریکائی ها) کمک خود را (در سقوط هواپیماهای ایرانی) بصورت تلویحی هم تا بیید کنند تناقض گویی وجود دارد. بعضی از گفته ها این دخالت را تکذیب می کنند. یعنی اینکه "انشالله گریه است" و مسئله می تواند واهی و بی اساس باشد."

به صدق ضرب المثل معروف "شترسواری که دولا دولا نمی شود" آقای ولایتی سیاست واقعی جمهوری اسلامی را "صادقانه" بیان می دارد و نشان می دهد که جمهوری اسلامی حرف و عطش در وابستگی به امپریالیسم جهانی بتدریج بر هم منطبق می شود، همچنین خوش خدمتی هائی از این دست آمریکا و هم پیمانانش را نسبت به آینده خود در منطقه خلیج فارس امیدوارتر می کند.

## به یاد اعتصاب کارگران نساجی قائمشهر

در روزهای ۷ و ۸ تیر ماه ۱۳۵۴ کارگران نساجی بمنظور افزایش سود ویژه تقسیم صحیح آن و بعنوان اعتراض به انتخاب نماینده فرمایشی کارگران به نمایندگی مجلس ملی دست به اعتصاب زدند.

مأمورین پلیس بعد از ظهر روز دوم اعتصاب به منظور مقابله با آن، از ورود کارگران شیفت دوم به کارخانه جلوگیری کردند. با مقاومت کارگران در برابر این اقدام خود سرانه، مأمورین انتظار آنها را به گلوله بستند. در جریان تیراندازی ۴ نفر کشته و عده انبوهی مجروح شدند.

اعتصاب گسترده و مقاومت دلیرانه کارگران در شب سیاه اختداد رژیم ستشاهی که موج وسیعی از حمایت کارگران و روشنفکران کشور را برانگیخته بود آنچنان لرزه ای بر پیکر دستگاه سلطنتی برانداخت که در قائم شهر حکومت نظامی اعلام شد و ۹ روز ادامه یافت.

هر چند کارگزاران مسلح رژیم پهلوی اعتصاب کارگران را سرکوب کردند و آنها را وادار به عقب نشینی ساختند اما خون آنان بذرهای سرخ کشتزاری شدند، که انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن از آن فراروشید.

اعتصاب حربه آزموده و مؤثر طبقه کارگر در مبارزه برای عدالت اجتماعی است. در نهمین سال اعتصاب خونین کارگران نساجی قائمشهر یاد آنان را گرامی می داریم.





## بگذارید تاریخ سخن بگوید!

رئیس مجلس شورای اسلامی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفت: "ما با تحلیل می‌دانستیم حزب توده‌ای که بر اساس الحاد و ضد اسلام و ضد ادیان آسمانی و با فکر اینکه، دین افیون ملت - هاست، حزب تشکیل دهد، نمی‌تواند با جمهوری اسلامی بسازد." یعنی علت یورش سبعانه به حزب توده ایران را باید در دشمنی با اعتقاد آن جستجو کرد. و این نتیجه منطقی تحلیل اظهارات آقای رفسنجانی است. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران دارای جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم است و ما هیچوقت این حقیقت را کتمان نکردیم. و اما تحلیل آقای رئیس مجلس بیشتر بر پایه تلقینات رژیم جابر پهلوی و پرونده‌های تنظیم شده از جانب ساواک استوار است. کیست که نداند حزب توده ایران بنا بر سرشت بشر دوستانه و اعتقاد راسخ به آزادی وجدان، هیچگاه ضد دین نبوده و نمیتواند باشد؟ برعکس حزب ما بر اعتقادات مذهبی همه شهروندان احترام قائل بوده و هست. حزب توده ایران بارها در اسناد رسمی خود این مسئله را مطرح کرده و هاشمی رفسنجانی نیز از آن باخبر است. ولی اینهم پوشیده نیست که حزب ما مخالف بهره‌گیری از چماق مذهبی برای توجیه ظلم، جور، ستم، بیعدالتی، زور، ترور و اختناق است و در این باره نیز نظرات خود را طی چهار سال بعد از انقلاب به کرات گوشزد کرده است. ما با "مذهب" در خدمت دربار و توجیه کردار ضد بشری حکام و نیز روحانیون قشری مدافع منافع اشراف و زالوهای اجتماعی همیشه در نبرد بوره و خواهیم بود. نه تنها ما، بلکه مسلمانان انقلابی هم "مذهب" توجیه کننده امتیازات طبقات ستمگر را رد کرده و میکنند. مگر مسلمانان انقلابی، اسلام بنی امیه را از اسلام علی جدا نمی‌کنند؟ دکتر علی شریعتی در اثر خود "مذهب علیه مذهب" از دو مذهب که با هم در جدال و کشمکشند، از دو مذهب دارای اختلاف، از دو مذهب در حال جنگ سخن می‌گوید. بنابراین تصریح او، این دوگانگی در یک مذهب واحد از آنجا ناشی می‌شود، که جامعه‌های بشری تقسیم میشوند به "آقا و برد، محروم و بهره‌کش، حاکم و محکوم، اسیر و آزاد." (مذهب علیه مذهب، صفحه ۱۹)

این سخنان ما نیست، بلکه نوشته یکی از متعبدترین و مومن‌ترین مسلمانان ایران است. ما مصالحه برخی از نوشته‌های دکتر شریعتی را به رئیس مجلس توصیه میکنیم، بجزه که ایشان تمایل فراوانی به نظریه‌پردازی هم دارند. مثلاً، در همان خطبه نماز جمعه وی خطاب به جوانان منافق و

بقیه از صفحه ۱  
چپ" میگوید: "این را بدانید، همین تاریخچه این سه چهار سال را بخوانید خیلی چیزها می‌فهمید. چپ توی این مملکت، در محیط اسلام نیست، نمیتواند رشد بکند. اصلاً جای رشد کردن نیست. چون شما چیزی ندارید عرضه بکنید که توی اسلام نباشد و خیلی چیزهای بد دارید که توی اسلام نیست."

در اینجا نیز باز همان سئوال مطرح است: کدام اسلام و کدام دین؟ برای دریافت پاسخی صحیح میتوان باز هم به اثر دکتر شریعتی مراجعه کرد. او مینویسد: "ریشه این دین، دین شرک، اقتصاد است، ریشه‌اش مالکیت اقلیتی و محرومیت اکثریتی میباشد. همین عامل اقتصادی و برتری طلبی است که برای نگهداری و توجیه خودش و ابدی شدن سیستم زندگی خودش به این احتیاج دارد. چه عاملی محکم‌تر از اینکه فرد خود بخود به مذلت خودش قانع شود؟ برای همین اجرا و تحقق این امر به عهدی دین شرک گذاشته‌اند و این دین بوده که همواره توجیه‌کننده‌ی وضع موجود بوده." (همانجا، صفحه ۲۰ و ۲۱)

آیا سرانجام ۱۰ راهی جز دین شرک می‌بیناند؟ آیا آنها از اسلام بشناخته پوششی برای تحکیم حاکمیت صاحبان سیم و زر و تبعیت اکثریت محروم از اقلیت جابر بهره نمی‌گیرند؟ اگر نظرات دکتر شریعتی حق است، که هست، در اینصورت چپ که پایه موجودیتش در جامعه ما دفاع از اکثریت محروم در مقابله با اقلیت استثمارگر است، هنوز خیلی چیزها برای عرضه دارد، که قشریون حاکم از عرنه آنها ناتوانند.

نظریه تقسیم جامعه به طبقات و مبارزه طبقاتی که دکتر شریعتی مسلمانان بدان اشاره می‌کند و از جانب حکام ج ۱۰ به شدت نفی میشود، فقط گوشه‌ای از نظرات قابل عرضه برای جوانان مسود نظر آقای رفسنجانی است. روحانیون قشری، که اینک اهرمهای مملکتی را قبضه کرده‌اند، وضع موجود را در جامعه توصیه میکنند. مطبوعاً تمجاز انباشته از نظراتی است که بقول دکتر شریعتی "رسالت حفظ این وضع را بعهده گرفته‌اند و وظیفه دارند که" آنچه پیش آمده خواست خدا بوده است. (همانجا ص ۱۹) آری ما هنوز نظرات زیادی برای عرضه داریم. درست به همین دلیل سرانجام ۱۰ قادر به هضم دگراندیشان در جامعه نیستند. زیرا "چیز" ارزنده و قابل عرضه‌ای در مقابل نظرات علمی و منطقی آنان ندارند.

آقای هاشمی رفسنجانی از جوانان می‌طلبد که تاریخ چهار سال اخیر را مطالعه کنند. جوانان در این مدت به تجربه دریافته‌اند که راستگرایان در روند تحکیم مواضع خود به

مردودترین، خشن‌ترین و ددمنشانه‌ترین اسلوبها برای سرکوب مجموعه نیروهای انقلابی متوسل شده‌اند، نیروهایی که در راه احقاق خواسته‌های کارگران و دهقانان و نجات توده‌های مظلوم و اسیر از قید اسارت مادی و معنوی مبارزه میکنند. خیلی بجا بود که میراث‌خواران انقلاب برای درک علل و عوامل زاینده انقلاب و نیز برای بردن به مضمون و محتوای خواسته‌های کارگران خود تاریخ ربع قرن اخیر و از جمله تقسیم دقیق حوادث روز بروز جنبش انقلابی را مطالعه میکردند.

کشتی انقلاب ایران روی امواج خروشان اعتصاب سرتاسری کارگران و کارمندان، مبارزه سرسخت و بی‌گیر همه نیروهای مترقی و میهن دوست به ساحل پیروزی رسید. دامنه شرکت خلق در انقلاب وسیع بود: از کارگر و دهقان تا خرده بورژوازی و بورژوازی کوچک و متوسط، از مسلمان تا غیرمسلمان، انقلاب ایران با معجزه بیروز نشد، بی‌کار خونین و قهرمانانه مجاهدین واقعی راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی آنها به پیروزی رساند.

رمز پیروزی میلیونها انسان بر ارتش و پلیس و ژاندارمری و سازمان امنیت رژیم مغفور شاه را باید در رویدادهای نیم قرن اخیر، در شرایط سیاسی اقتصادی و اجتماعی عینی حاکم در جامعه بی‌کاو کرد. رژیم شاه ایران را به زندان ایرانیان مبدل کرده بود. زندان، شکنجه، ترور و اعدام جایگزین حقوق بشر در کشور ما شده بود.

مصالح ملی قربانی منافع آزمندان مثنی سرمایه - دار وابسته به انحصارهای امپریالیستی میگردد. رژیم شاه برای تبدیل ایران به زانده امپریالیسم آمریکا و به حوان یخمای انحصارهای خارجی از همه مسائل ممکن و از جمله عوام فریبهای مذهبی بهره میگرفت. رژیم منحوس پهلوی در مقابله با نیروهای مترقی و میهنی از حمایت اکثر "روحانیون" برخوردار بود. این واقعیت تاریخی است. نادیده گرفتن آن، تحریف تاریخ معاصر و مضمون انقلاب رهائی بخش خلقهای ما است.

زند میاد آیت الله طالقانی در مصاحبه مطبوعه - تی روز ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ با خبرنگاران داخلی و خارجی در پاسخ به سئوالی پیرامون خصلت انقلاب گفت: "از نزدیک مشاهده میکنید که این انقلابی است که زارع، کارگر، کارمند، تاجر و دانشگاهی و همه مردم در آن شرکت دارند. از همه مردم برای همه مردم شروع شده و هیچ حزب و جمعیتی هم حق ندارد برای خودش سهم بزرگتری در نظر بگیرد. و از این جهت حکومت را در انحصار خودش درآورد. این خصوصیت اصل است و باقی مسائل فروع این مسئله میباشد." آیت الله طالقانی که از نقش جناح‌های معینی برای قبضه کردن قدرت باخبر بود، حتی قبل از پیروزی انقلاب به مردم هشدار داد و بهمین سبب بقیه در صفحه ۶

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی  
یک وظیفه انقلابی است!

## بگذارید تاریخ ...

بقیه از صفحه ۵

مورد بی‌مهری انحصار طلبان قرار گرفت. آیت‌الله طالقانی همه آنچه را اکنون در کشور ما می‌گذرد پیش‌بینی کرده بود. وی در همان مصاحبه تأکید کرد که حاکمیت در دست "گروه یا حزب خاصی چه نظامی، چه غیر نظامی دنبالش دیکتاتوری و استبداد است. ۰۰ ماره‌های مذهبی دامیه حکومت برای خودمان نداریم و نمی‌خواهیم حاکم باشیم. ۰ انقلابی است که از توده ر همه مردم و همه فشرها آغاز شد. ۰ برای همه فشرهاست، نه یک حزب و جمعیت خاص. ۰ آیت‌الله طالقانی با حکومت رهبران مذهبی مخالف بود. ولی نتیجه چه شد؟ همانطور که ایشان پیش‌بینی کردند یک حزب، یک گروه، یک فشر حاکمیت را در انحصار گرفت، انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی به "انقلاب اسلامی" تغییر نام یافت و استبداد قرون وسطایی جایگزین استبداد سلطنتی شد.

آیت‌الله طالقانی در مصاحبه مطبوعاتی درباره آماج‌های انقلاب نیز که حکام کنونی آنها را وارونه جلوه‌گر می‌سازند، سخن گفت. ایشان به عنوان ناظر و شاهد یعنی جریان مبارزات نه نظاره‌گر از دور - صریحاً روی دو خواست عمده نیروهای محرکه انقلاب یعنی آزادی و عدالت اجتماعی تکیه کرده و اظهار داشتند که توده‌های مردم قبل از هر چیز "آزادی" میخواهند و مسئله "قسط" یا عدالت اقتصادی خود بخود در پرتو آزادی تأمین خواهد شد.

اینهم حقیقتی انکارناپذیر است. آنجا که آزادی برای مردم زحمتکش نیست، عدالت اجتماعی هم نمیتواند وجود داشته باشد. دشمنان عدالت اجتماعی ظاهراً در باره "قسط" سخن می‌گویند ولی عملاً هرگونه آثار آزادی محرومان را از میان می‌برند تا امکان مبارزه در راه عدالت اجتماعی را از بین ببرند. آیت‌الله طالقانی تاریخ انقلاب را واقع‌گرایانه بازگو میکند، زیرا با شعارها و خواسته‌های میلیونها کارگر و دهقان در جریان انقلاب آشنایی کامل داشت.

## ای شیرهای بیشه

دیوار سنگ سنگش  
بیگانگی است  
فرزندگان به خویش بباشید  
اینک کلید شهر شمائید  
عصر به هم رسیدن  
و دست زیر بال زخمی هم بردن  
عصر پریدن از سر بیگانگی  
عصر بیگانگی است

ای شیرهای بیشه کجاخند ؟

این لحظه‌های مودی  
وین لحظه‌های دشمن  
از گنگمای شب بد رأئید  
وز خصم، خواب خوش بر بائید

خورشید، خود - شمائید  
ای شیرهای بیشه بر آئید  
در بند های سنگ

سرچشده‌های روشن خود را  
از ابرهای خون بزدائید

دیوار سنگ سنگش  
بیگانگی است  
فرزندگان به خویش بباشید  
اینک کلید شهر شمائید

جلال سرفراز

اسفند ۶۲

۲۵ دیماه ۱۳۵۷ نماینده کارگران پالایشگاه نفت تهران در سخنرانی برای کارگران و نویسندگان مؤسسه کیهان صریحاً اعلام کرد: "ما حاضریم خونمان را به رایگان بدهیم، اما دیگر نفت رانیدیم و در این زمینه نیز اجازه کارشکنی به هیچ کس نمیدهم و تا آخرین لحظه به مبارزه خود برای تأمین همه خواسته‌های همه مردم ایران و در هم کوبیدن رژیم استبدادی مبارزه خواهیم کرد." کارگران و زحمتکشان در گفته خود صادق بودند. مبارزه کردند، شهید دادند و بالاخره نیز رژیم استبدادی را در هم کوبیدند. این است آن درس تاریخی، که میراث حواریان انقلاب می‌کشوند بدست فراموشی سپارند.

۲۱ دیماه ۱۳۵۷ کارگران و کارکنان اعتصابی مجتمع فولاد در قطعنامه چهار ماده‌ای خود نوشتند: اعتصاب کارگران مجتمع فولاد "با الهام از مبارزات تاریخ ساز ملت ایران همچنان پویا است." در قطعنامه بر تشکیل "حکومتی دمکراتیک که مبتنی بر آراء اقشار و طبقات زحمتکش و حامی آنها باشد" تأکید میشد. کارگران اعتصابی با در نظر گرفتن نقش مخرب آن جناحی از روحانیت که حاضر به قبول نظرات دگراندیشان نبودند و با وحدت نیروهای انقلابی مخالفت میکردند، اعلام داشتند که "با در نظر گرفتن مقطع فعلی جنبش هر نوع جنگ عقیدتی و موضع‌گیریهایی را که به نفع دشمن تمام می‌شود، بمنوان اقدام ضد مردمی و ارتجاعی" محکوم می‌کنند.

این هم درس دیگر آموزنده‌ای از تاریخ معاصر است، که شناخت آن هم برای نیروهای انقلابی و هم برای آن کسانی که پشت به انقلاب کرده‌اند ضرورت دارد. این درسهای تاریخی را که نقطه حتام بر کارنامه خونین رژیم ضد ملی و ضد - دمکراتیک شاه گذارد، نباید فراموش کرد. این درسهها بجزه برای آنانیکه مدعی‌اند، میلیونها ایرانی زیرستم کلان سرمایه‌داران و بزرگ - مالکان و رژیم ترور و اختناق برای است. لال و آزادی و عدالت اجتماعی انقلاب نکردند، سود مند است.

## کارگران و کشاورزان ...

بقیه از صفحه ۲

جنگ طلبی رهبران جمهوری اسلامی تمام دستاورد های انقلاب و جان و مال زحمتکشان را به باد نیستی می‌دهد.

رژیم سعی می‌کند با بسط و گسترش جو ترور و اختناق صدای اعتراض زحمتکشان را نسبت به ادامه جنگ خاموش سازد. رژیم جمهوری اسلامی بسیاری از شهرها و سندیگا‌های کارگری را منحل اعلام و فعالین آنها اخراج و روانه زندان کرده است، فعالین جنبش کارگری را به جوفه‌های اعدام سپرده و به تمام دستاورد های انقلاب پوش برده است و این همه در حالی است که آزادی بی حد و حصری برای سرمایه‌داران و "تجار محترم" قائل شده است تا در سایه جنگ ثروت های اجتماعی را به پغما برند.

حزب توده ایران به درستی گفته می‌شود - "مبارزه علیه ادامه جنگ روز بروز در کشور ما گسترش می‌یابد. مردم ایران خواهان صلح اند و برآنند که حل نظامی اختلافات بین دو کشور همسایه امکان پذیر نیست. ترك مواضع و دستهایی به یک صلح عادلانه و پایدار به نفع خلقهای هر دو کشور به نفع صلح جهانی و بزبان امپریالیسم است و هرچه زودتر باید عملی گردد. صلح خواست عاجل توده‌های میلیونی زحمتکشان است و باید برقرار شود." \*\*\*

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:  
Sweden  
Stockholm  
Sparbanken Stockholm  
N: 040012850  
Dr. John Takman

رژیم جمهوری اسلامی می‌کوشد مسأله اصلی جامعه را جنگ و ادامه آن جلوه دهد، لیکن کارگران و زحمتکشان که بار اصلی جنگ و پیاد - های مخرب آنرا به دوش می‌کشند مسأله اصلی را نه جنگ، بلکه صلح می‌دانند. پایان فوری جنگ و برقراری صلح خواست اصلی تمام زحمتکشان است. جنگ بدون حضور زحمتکشان و فرزندان آنان نمی‌تواند حتی یک روز ادامه یابد. کارگران همانطور که در مورد قانون کار نشان دادند که میتوانند با مقابله و مبارزه، رژیم را به عقب - نشینی وادار کنند در مورد جنگ نیز با خود - داری از رفتن به جبهه‌ها، افشاکاری سیاستهای جنگ طلبانه رژیم، ایجاد و تقویت تشکلهای کار - گری، با طرح پیگیر افزایش دستمزد و مخالفت با کسر حقوق خود میتوانند رژیم را هلیرم میل باطنی اشروادار به اتمام جنگ و برقراری صلح کنند. در اعلامیه ۱۴ خرداد ۶۲ کمیته مرکزی

## نامه کارگران صنف

### خبازیهای سنگکی تهران و حومه

"نظر به اینکه کارگران نیمه سوخته صنسف خبازیهای سنگکی از زمان ستم شاهي تا بحال در محرومیت از اجرای قانون کار بسر می برند و در این باره مکاتبه های زیاد و نامه های فراوان برای مسئولین مملکتی ارسال شده حال این سوال برای ما کارگران محروم مطرح است مگر در این انقلاب سهمی نداشته ایم و یا جز "ایرانیها نیستیم و دیگر مقامی نبوده که محرومیت خود را به آن اعلام نکرده باشیم و توقع آنچنانی نداریم ولی توقع نداریم تعدادی برادران بنام اعضای شورای آرد و نان کارگاههای ما را تعطیل نمایند در نتیجه کارگران ما بیکار و شرمند و عیال و اولاد خود شوند. این مغایر با برنامه های دولت است. آیا واقعا شورای آرد و نان عواقب کار خود را در نظر نمی گیرد. و روزی تهران مانند ایام عید و روزهای جمعه بدون نان خواهد بود و جواب این مسائل را خواهند داد. امید داریم کسه مسئولین هر چه سریعتر به مشکلمان رسیدگی کنند."

این عین نامه ای است که کارگران خبازیهای سنگکی تهران و حومه ۸ خرداد ماه سال جاری منتشر کردند. کارگران "نیمه سوخته" خبازیها تا کنون پاسخ نامه خود را دریافت نکرده اند. و این نیز طبیعی است زیرا تجاوز به حقوق زحمت کشان در صدر برنامه دولت قرار دارد. دولت می شمارد، نمی تواند در عین حال مدافع منافع زحمتکشان باشد. کارگران خبازیهای سنگکی تهران بد رستی به این نتیجه رسیده اند، که حق گرفتنی است، نه دادنی. طریق دستیابی به آن نیز روشن است: مبارزه متحد و مشکل بسا استفاده از حره برنده اعتصاب.

## جنگ، جنگ...

بقیه از صفحه ۱  
کرد. در لایحه بودجه سال ۱۹۸۵ که از سری دولت ریگان پیشنهاد شده، افزایش هزینه های نظامی رقم ۱۸ درصد را نشان می دهد. با این احتساب، حجم کل بودجه نظامی آمریکا به ۲۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید.

کک نظامی آمریکا به رژیم فاشیستی نظامی در پاکستان، از جمله واگذاری موشکهای "هاریک" و هواپیماهای "اف - ۱۶"، که رقم آن به ۲/۲ میلیارد دلار می رسد، تهدید مستقیمی است علیه همسایگان این کشور، از جمله ایران. ارتش ۵۰۰ هزار نفری پاکستان که چندی پیش، صیاح الحق پیشنهاد کرد بجای نیروهای "اقدام سریع" آمریکا بکار گرفته شود. و ارتش رژیم ترکیه و نیروهای آمریکائی مستقر در ۶۰ پایگاه در این کشور، آماده اند تا با فرمان نمایندگان هارترینس جناح امپریالیسم آمریکا، به بهانه "حفظ صلح" و پاسداری از "منافع حیاتی" ایالات متحده

دامنه درگیریهای نظامی را در منطقه گسترش دهند. "واشنگتن" بارها اعلام کرده است که در صورت قطع جریان نفت آماده است تا از نیروهای "اقدام سریع" خود بمنظور "تضمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس" استفاده کند. تردیدی نیست که تشدید و توسعه جنگ ایران و عراق از دیدگاه امپریالیسم آمریکا به سادگی ممکن است به قطع جریان نفت "ببنجامد".

در شرایطی که طراحان استراتژی "پنتاگون" پیوسته نیروهای نظامی بیشتری در منطقه متمرکز می کنند و در صد استقرار موشکهای "پرشینگ ۲" در پاکستان و اسرائیل اند، نه تنها صلح و امنیت در خاور میانه و آسیا، بلکه صلح جهانی با استمرار درگیریهای ایران و عراق و احتمال گسترش آن بطور جدی تهدید می شود. با توجه به این واقعیت، می توان به سهولت درک کرد که برنده نهائی این جنگ امپریالیسم آمریکاست، نه



به کدام آینده می اندیشد؟

خلق های ایران و عراق.

متاسفانه سران جمهوری اسلامی با ادامه سیاست ضد مردمی "جنگ، جنگ، تا پیروزی" عملا بازوی توانمندی در اجرای این سیاست آمریکا شده اند. آنها که داعیه صدور انقلاب از طریق جنگ و استقرار "جمهوری اسلامی" در عراق را دارند، با تبلیغ این بیش واقعبیت گریز، غیر معقول و غیر مسئولانه، از سوئی ناتوانی خود را در اجرای اصلاحات اجتماعی اقتصادی به نفع اکثریت زحمتکشان کشور و سرکوب نیروهای راستین انقلابی بکار میگیرند، و از سوی دیگر میدان تاخت و تاز سرمایه داری تجاری و وابسته را که در حاکمیت و اطراف آن لانه کرده اند، وسیعتر می کنند. در ارائه این روند است که پایگاه داخلی آمریکا در کشور ما نیز مستحکم خواهد شد. شعار "جنگ، جنگ، تا پیروزی" در عمل یعنی "جنگ، جنگ تا سیه روی".

## خبرنگار نامه مردم "در میان مردم"

### از بیمارستانهای تهران چه خبر

بیمارستان جواهری قلهک تعطیل شد و پرسنل آن به واحد های دیگر منتقل شدند. این بیمارستان در واقع زایشگاهی بود مورد استفاده مردم محروم. گویا قرار است که در مانگانه های پوست در بیمارستانهای طالقانی، اختر، شهدا، نظریه، شبیانی و ۵۰۰ هم را یکجا بسازند. بیمارستان جواهری منتقل کنند که بشود "بیمارستان پوست". اصولا سودمندی این طرح چیست و کی عملی میشود، معلوم نیست. این زنان حاطه قلهک هستند که باید فکری برای خودشان بکنند.

قرار است بخش های دندان پزشکی بیمارستانهای شهدا، طالقانی، منظره و شبیانی را ببندند و در مانگانه تراب بشود مرکز دندان پزشکی در شمال تهران. "روز دندان -

پزشکی" در بیمارستان شهدا مراسمی برپا شد، در این مراسم یکی از پزشکان به شدت به این طرح که گویا از ابتکارات آقایان دکتر خیراندیش و دکتر سازگار است اعتراض کرد و پزشکان دیگر از او پشتیبانی کردند.

اخیرا فرمی در روزنامه های تهران منتشر و طی آن حکم شد که کلیه پزشکان و دندان - پزشکان برای گرفتن پروانه مطب آنها پر کنند. مضمون سوالی که در فرم مطرح شده بسود احتیاج به توضیح ندارد، خودتان بهتر می دانید. پزشکان وزارت بهداشتی اعتراض کردند. در اعتراض به این فرم از طرف نظام پزشکی طوماری تهیه شد که اغلب پزشکان آن را امضاء کردند. مثلا در بیمارستانهای سرخه حصار، طالقانی و شهدا هر کدام به ترتیب ۶۰، ۱۷۰، ۲۵۰ امضاء جمع شد. مضمون این طومار این بود که اگر زیاد فشار بیاورد استعفا میدهم. دوشنبه ۱۵ اردیبهشت در جلسه ای با حضور وزیر بهداشت، دکتر شبیانی و حدود ۲۰۰۰ پزشک و دندان -

پزشک، اعتراض پزشکان در این باره بقدری بود که جلسه به هم خورد. پزشکان فریاد می زدند: اگر راست می گوئید بپردازید مسئله گرانی و مسکن را حل کنید. جلسه بعدی ۱۸ اردیبهشت تشکیل شد. همان آشوب و همان کاسه.

بجای رئیس بخش ارتویدی بیمارستان شهدا که سخته کرده بود، شخص دیگری انتخاب شد. رئیس جدید متوجه شد که پزشکی بنام دکتر صفائی (رزیدنت) هفته ای دو سه روز غیبتش می زند. پس از تحقیق معلوم می شود که دست و پال آقای دکتر صفائی در حاکمیت بند است. رئیس بخش ارتویدی طی نامه ای می خواهد که تکلیف آقای دکتر صفائی روشن شود. از بهداری استان دو نفر برای رسیدگی می آیند. نتیجه اینکه بخش ارتویدی بیمارستان شهدا تعطیل می شود. ۷ نفر رزیدنت آن بیمارستان بسه بیمارستان ۷ تیر منتقل می شوند، و بخشش ارتویدی بیمارستان شهدا می ماند با یکی دو نفر پزشک تخصصی.

## شادباش

### به رفیق عزیز محمد

روز اول ژوئیه ۱۹۸۴ شصت سال از زندگی رفیق عزیز محمد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق گذشت. کمیته مرکزی حزب توده ایران باین مناسبت نامه شادباش زیر را بسرای رفیق عزیز محمد فرستاد:

رفیق گرامی عزیز محمد، بمناسبت شصتمین زادروزتان، درودهای صمیمانه و برادرانه حزب توده ایران را بپذیرید. حزب ما مبارزه خستگی ناپذیر و پیگیر شما را برای استقلال ملی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و بخاطر منافع حیاتی زحمتکشان عراق بس می‌ستاید. ما برای کوشش‌های شما در راه وحدت جنبش‌بین‌المللی کمونیستی، بر پایه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، ارج فراوان قائل هستیم.

در پایان، تندستی و پیروزی‌های هر چه بیشتر شما را در پیکار مشترک برای صلح، سوسیالیسم و دموکراسی و علیه امپریالیسم و ارتجاع خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
ژوئن ۱۹۸۴

## فراخوان کشورهای سوسیالیستی

بود. شرکت کنندگان در گرد همائی شورای همیاری اقتصادی وضع سیاسی و اقتصادی جهان رادر شرایط کنونی از دیدگاه مارکسیسم-لنینیسم تحلیل کردند و خاطر نشان ساختند که محیط متشنج امروزی جهان، بیش از پیش با منافع کلیه کشورها و خلقهای جهان در اصطکاک است. رهبران کشورهای سوسیالیستی با ابرازنگرانسی از تهدید صلح جهانی در نتیجه سیاست محافظ امپریالیستی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا این سیاست را بشدت محکوم کردند. همچنین بر اهمیت درجه اول پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی نه تنها بعنوان جلوگیری از فاجعه هسته‌ای، بلکه برای بهبود وضع اقتصادی جهان توسط شرکت کنندگان تأکید شد و این مسئله مورد تأیید جمعی قرار گرفت.

گرد همائی "شورای همیاری اقتصادی" نشان داد که کشورهای سوسیالیستی برای مقابله با تلاش امپریالیسم در زمینه تبعیض، ایجاد فشار و دخالت در امور کشورهای سوسیالیستی از امکانات کافی برخوردارند. اهمیت این گرد همائی به نحوی بارز در اسناد آن انعکاس یافته است.

سران کشورهای سوسیالیستی در گرد همائی "شورای همیاری اقتصادی" طی فراخوانی از همه پارلمانها، دولتها و افکار عمومی جهان خواستند، تا در حفظ و تحکیم صلح، مهار کردن مسابقه تسلیحاتی، خلع سلاح همگانی بویژه هسته‌ای و عادی کردن مناسبات اقتصادی بین‌المللی به نفع کلیه کشورها بکوشند.

در این گرد همائی ادامه و، تعمیق و گسترش همکاریهای سودمند، متقابل و همجانبه اقتصادی مورد تأیید سران کشورهای سوسیالیستی قرار گرفت. گرد همائی مذکور دارای اهمیت ویژه‌ای برای جامعه کشورهای سوسیالیستی در بالا رفتن وجهه بین‌المللی سوسیالیسم، تحکیم و تأثیر آن در مسیر رویدادهای جهانی و نشانگر مرحله نوین تقسیم کار بین‌المللی سوسیالیستی و هماهنگی اقتصادی و همکاری بیشتر از پیش کشورهای سوسیالیستی در چارچوب "شورای همیاری اقتصادی" است که نقش بزرگی در امر تحکیم قدرت اقتصادی و هم پیوندی کشورهای سوسیالیستی ایفا می‌کند.

سعادت انسانها و صلح موضوع عمده گرد هم-آئی سران کشورهای سوسیالیستی در مسکو

## تشییع جنازه باشکوه

### رفیق برلینگوئر

مراسم تشییع جنازه رفیق "انریکو برلینگوئر" دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا با حضور بیش از یک میلیون نفر از اعضای حزب کمونیست ایتالیا، طبقات مختلف مردم و ۶۱ هیئت نمایندگی از کشورهای جهان، از جمله هیئت نمایندگی حزب توده ایران برگزار شد.

در این مراسم رئیس‌جمهور ایتالیا اعلام داشت که رفیق برلینگوئر در میدان مبارزه جان خود را از دست داد و تا آخرین لحظه زندگی برای دموکراسی، عدالت اجتماعی و ایجاد جامعه نوین مبارزه کرد.

از طرف هیئت نمایندگی حزب توده ایران نیز دسته گلی بر آراگاه رفیق برلینگوئر گذاشته شد و سرپرست این هیئت ضمن ابراز تسلیت مراتب تأسف عمیق کمیته مرکزی حزب ما را اعلام داشت.

رفیق برلینگوئر در سن ۶۲ سالگی در اشر سکه مغزی بد رود حیات گفت.

## اقتصاد ملی...

بقیه از صفحه ۳

از پیکار در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی باز داشت. مردم را نمی‌توان بسرای مدت زمان طولانی فریب داد. می‌گویند دروغ دارای پاهای لنگی است، که با آن براه دور نمی‌

## شادباش

### به رفیق آلساندرو ناتا

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا رفیق الساندرو ناتا را ره سمت دبیر کل حزب برگزید. باین مناسبت، نامه شادباش زیر از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران برای رفیق آلساندرو فرستاده شد:

رفیق عزیز ناتا،

کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شما را به سمت دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا صمیمانه شاد باش می‌گوید.

پیروزی شما را در ادای مسولیت بزرگی، که بعهده شما واگذار شده است، خواستاریم و امید داریم که مناسبات میان حزب توده ایران و حزب کمونیستی ایتالیا هر چه بیشتر، بر پایه مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، گسترش یابد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۸ ژوئن ۱۹۸۴

شود رفت. این راه نیز در کشور ما بارها از محک آزمایش‌گذشته است.

برای جلوگیری از ورشکست اقتصاد ملی فقط یک راه وجود دارد: پایان دادن به سیطره کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و حامیان امپریالیسم آنان. مبارزه در این راه تعطیل بردار نیست.

## شوروی خواستار تحریم

### سلاحهای فضائی شد

دولت اتحاد شوروی طی اعلامیه‌ای خواهان منع استقرار سلاحهای هسته‌ای در فضا شد. در این اعلامیه اشاره می‌شود که گسترش دامنه تسلیحاتی به فضای کیهان به طرز فوق‌العاده‌ای به خطر بروز جنگ خواهد افزود و به نورنای محدود کردن و تقلیل تسلیحات بطور کلی لطمه خواهد زد.

دولت شوروی اعلام کرد تا دیر نشده باید سیر اینگونه حوادث را متوقف کرد، تا با وقت‌کشی این امکان از دست نرود. در این اعلامیه دولت شوروی به ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کرد است که مذاکراتی بین دو کشور پیرامون جلوگیری از نظامی کردن فضای کیهان آغاز شود. دولت شوروی پیشنهاد کرد در صورتیکه دولت امریکس موافقت کند این مذاکرات در ماه سپتامبر سال جاری در این کشور شروع شود. همچنین اتحاد شوروی به منظور تأمین شرایط مساعد برای حصول موافقت، پیشنهاد کرد که از زمان آغاز مذاکرات بر مبنای اقدام متقابل در دوران شمول خود داری از آزمایش‌ها استقرا ر سلاحهای هسته‌ای اعلام گردد.

**NAMEH  
MARDOM  
No. 5**

**JULY 5, 1984**

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

# به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!